

پیش‌خواران

سیری در یک پژوهش توانانتشار درباره تاریخچه زندان قزل قلعه در دوران پهلوی

محبسِ بسیاریان

■ **شاهد توحیدی**



در تاریخ سیاسی معاصر ایران در سلسله پژوهش‌های تاریخی خوش، کتابی درباره پیشینه این زندان سیاسی منتشر ساخته که در نوع خود اثری بدیع به شمار می‌رود. یعقوب لطفی پدیده‌آورنده این اثر، دیپاچه آن را اینگونه آغاز کرده است: «قزل قلعه باقرل قلاع (قلعه سرخ) نامی درداشتا در ادبیات مبارزات سیاسی میهن زخم‌خورده ایران، از سلاطین و شاهان بوده است و جاوید خواهد ماند، ولی صافسوس که آن را با سبوعیت باورنکردنی و عجله‌ای شگرف در یک روز غیابگیز با جنگل آهنین با خاک یکسان کردند، چنانکه گویی از ابتدا چنین جایی وجود نداشته است. اکنون پس از گذشت چند دهه از این کار ستم‌آلود، حسرت دیدن و زنده شدن خاطرات دلاورمردان و شیرزنان ظلم‌سئیز بر دل و روح آنها به‌جای مانده است. خداوند را سپاسگزارم که توفیق غنایت فرمود پس از سال‌ها سیری شدن این واقعیت تلخ بتوانم این موضوع مهم تاریخی را یادآور شوم و مطالبی را در حد بضاعت برای علاقه‌مندان و دلسوختگان فراهم کنم تا آن‌شاه‌الله با فراهم شدن زمینه‌های تحقیقی- پژوهشی واکاوی عمیق‌تری درباره این مکان تاریخی- سیاسی به وجود آید.»

وی در بخش دیگری از دیپاچه خویش، فضای حاکم بر زندان و نیز چندو چون پژوهش خویش را نیزاینگونه‌به توصیف‌نستخته‌است:«این زندان در دیف‌مخوف‌ترین و در عین حال بی‌کیفیت‌ترین زندان‌ها دنیاست. این کارکرد کاروانسرای و انباری داشت، به تدریج در رژیم پهلوی تغییر کاربری داد و با ایجاد تغییرات در داخل راه‌روها، اتاق‌ها، ساخت حمام و امکانه دیگر تبدیل به



یکی از زندان‌های بی‌آبروی دنیاشد، به‌طوری‌که قریب به اتفاق زندانیان سیاسی رژیم پهلوی معتقدند آنچه در این قلعه (خوابیدن زندان) و حمامش اتفاق افتاده یکی از شرم‌آورترین گوشه‌های تاریخ انسانیت و بشریت است. هر چند این زندان پس از دو دهه فعالیت در سال ۱۳۵۰ به دستور و فرمان محمدزاشاه تعطیل و در سال ۱۳۶۰ به علت فرسودگی تخریب شد و آن را تبدیل به میدان میوه و تره‌بار کردند تا این قطعه مسیهه رژیم پهلوی را از یاد و اذهان تاریخ پاک کنند، ولی برخلاف تصور آنها هرگز این اتفاق رخ نداد و برخلاف تصور شاه و اعوان و انصارش از ذهن تاریخ استبداد و دیکتاتوری رژیم سلطنت حذف نشد و همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، پس از گذشت ۴۰سال از آن کوبیدن‌ها و تخریب‌ها، این موضوع همچنان زنده و پویاست و برای نسل جدید ایران مسئله قابل توجهی قلمداد می‌شود. کتابمجموعه بررسی‌های انجام‌شده کتاب مطبوعی درباره قزل قلعه وجود ندارد یا حداقل بنده نگارنده از آن مطلع نشدم البته به جست‌وجوی فراوان و به نظر می‌رسد این نوشتار می‌تواند خاخره به وجود آمده را حتی در حد اندک پر و کامل کند و یقیناًمجموعه قابل‌ی نخواهدبود که امیداست به مرور زمان کامل تر شود.

با توجه به مطالب فوق‌الذکر، مطالعات گسترده میدانی کتابخانه‌ای برای تبیین اِسن موضوع آغاز و با مراجعه به کتابخانه‌ها، سایت‌های اینترنتی و پهرپیرداری از اسناد تاریخی بررسی خاطرات به جای مانده از زندانیان سیاسی رژیم پهلوی و انجام مصاحبه‌های شفاهی با مطلعین و محبوسین سعی شدان شاه‌الله مطبللی از قلم نیفتد و در پایان امید است این تحقیق در چهار فصل مقبول افتد. فصل اول: شناخت قزل قلعه، تاریخچه، موقعیت جغرافیایی، وضعیت ساختمان، نوع سازه و استوارهای قزل قلعه؛ فصل دوم: قزل قلعه به روایت محبوسین؛ فصل سوم: قزل قلعه و مبارزات سیاسی و فصل چهارم: خاطرات زندانیان سیاسی و در انتها عکس‌ها تدوین و تقدیم علاقه‌مندان تاریخ سیاسی ایران می‌شود. بدیهی است تأثیرگذارترین قسمت این کتاب مجموعه خاطرات زندانیان سیاسی رژیم پهلوی است، زیرا اگر از قزل قلعه به عنوان یک زندان مخوف و فصل چهارم: حقیقت‌جو و مبارز سیاسی دوران سیاه رژیم پهلوی در این قلعه بود. هرچند تمامی خاطرات بیان نشده است، ولی هر آنچه فعلاً به جای مانده است، دستمایه بسیار خوبی برای آغاز و گشودن پنجره‌ای جدید برای دیدن جنایات رژیم سلطنتی پهلوی است.»

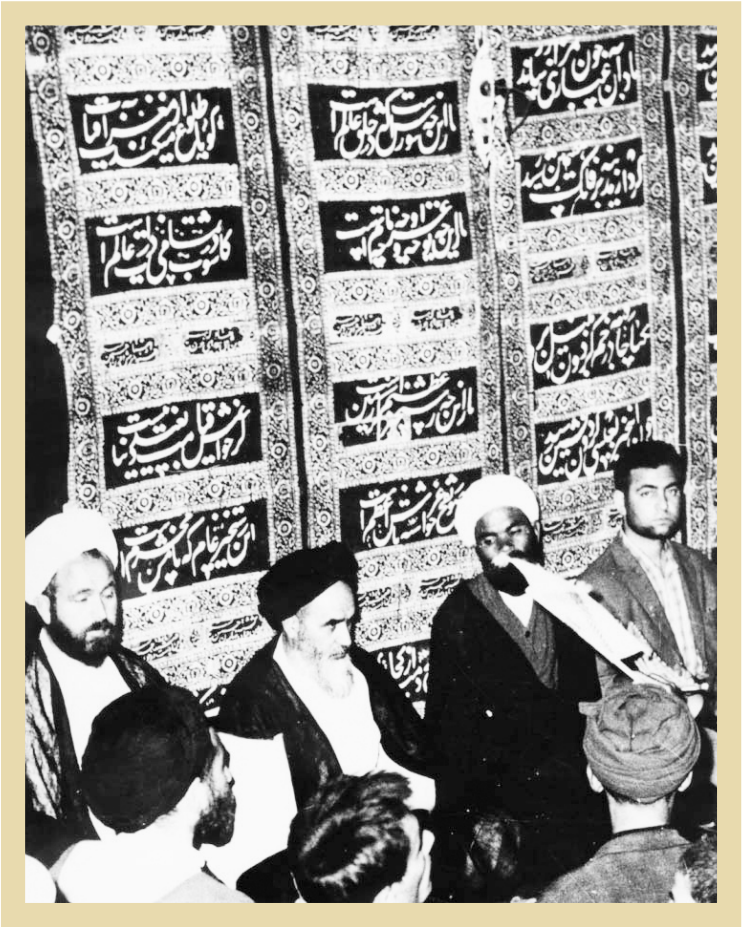
■ **علی احمدی‌فراهانی**

بی‌تردید منشأ تاریخی و معنوی نهضت اسلامی ایران، به‌ماه محرم ۱۳۴۲شمسی‌بازی‌می‌گردد. در این ماه‌امام‌خمینی‌رهبر جنیش، امکان معنوی عزاداری را در خدمت آگاه‌سازی عمومی قرار داد و به ملت ایران به ویژه جامعه دینی کشور، درباره خطرات فراوری استقلال و کیان کشور هشدار داد. در مقالی که پیش رو دارید، برنامه مبارزاتی رهبر نهضت اسلامی در ماه محرم ۱۳۴۲ و نیز مهندسی معکوس ساواک در برابر آن مورد بازخوانی قرار گرفته است. ■■■

ماه محرم ۱۳۴۲ در حالی فرا رسید که با وقوع حادثه فیضیه، رویارویی علما با رژیم شاه وارد مرحله‌ای تازه شده بود. امام خمینی پس از حادثه فیضیه بر آن شدند تا با بهره‌گیری از این حادثه، به افشای ماهیت و چهره واقعی رژیم پیردازند. ماه محرم بهترین فرصت برای امام خمینی بود که با یاری شبکه روحانیون اعزامی به شهرها و روستاها، اهداف خود را عملی سازند. در گزارش‌های ساواک نیز به این موضوع اشاره شده است: «علما و روحانیون مخالف که به تدریج رهبری آنها به عهده آیتالله روح‌الله خمینی محول می‌شدد، تقریباً از سه ماه پیش به این طرف در انتظار رسیدن ماه محرم بودند تا آنجا که آیتالله خمینی که عید نوروز سال جاری را عزّا اعلام کرده بود به کرات اظهار داشت که در آن افشار مختلف به صورت خودجوش و به عشق سیدالشهدا(ع) و یاران باوفایش، در مراسم‌های آن حاضر و به سینه‌زنی و عزاداری می‌پردازند. بنابراین حضور گسترده عزاداران، نوحه‌سرایي مداحان و سخنرانی وعاظ و روحانیون در جای جای سرزمین ایران، حتی در میان شیعیان کشورهای همسایه، به گوش افشار مختلف ملت برساند و ماهیت واقعی رژیم را بر همگان روشن سازد و مردم را با فلسفه واقعی عاشورا آشنا کند، اما اجرای موفق این برنامه نیازمند برنامه‌ریزی مقدماتی بود. از این رو رهبری نهضت با درایت و حکمت، طرح و برنامه و راهبرد مبارزاتی خود را عملی ساخت. در اینجا به بخش‌های مختلف این راهبرد می‌پردازیم:

د

در راستای گسترش مبارزه و رساندن پیام نهضت، امام خمینی از شبکه گسترده روحانیت و پیام‌رسانی آن بهره برد. با فرا رسیدن ماه محرم حسینی جای جای ایران مساجد و تکیه‌ها محل تجمع عزاداران حسینی می‌شود. علاوه بر این در چنین موسمی طلاب و مبلغانی از سوی حوزه‌های علمیه برای تبلیغ و ایراد وعظ و خطابه به شهرها و روستاها اعزام می‌شوند



مروری بر برنامه مبارزاتی رهبر نهضت اسلامی در ماه محرم ۱۳۴۲

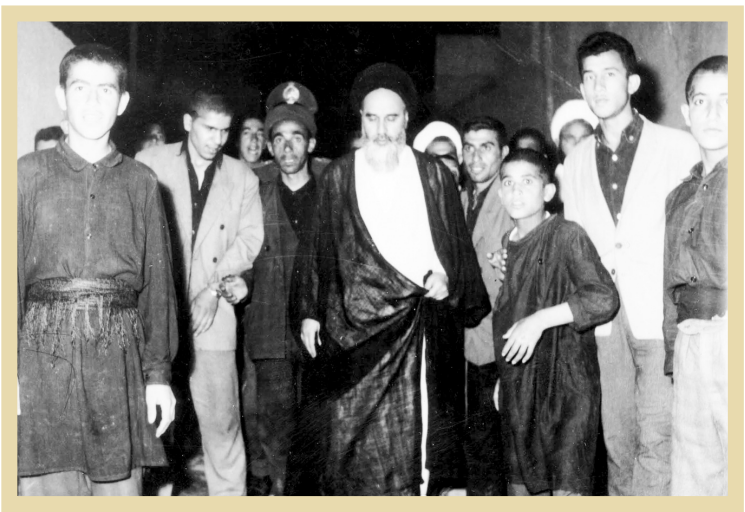
اقدامات امنیتی شدید ساواک

مقابل برنامه مبارزاتی امام در محرم

■ **ایجاد اتحاد و همبستگی میان هیئت‌های مذهبی**

نخستین برنامه امام خمینی، بهره‌گیری از توان نیروهای مذهبی و ایجاد اتحاد و هماهنگی میان آنها بود. امام خمینی نمی‌خواست مبارزه را در چارچوب احزاب سیاسی پیگیری کند، چرا که به آنها اعتماد و اعتقادی نداشت. از این رو درصدد برآمد تا با بهره‌گیری از توان و امکانات نیروهای مذهبی که به صورت خودجوش، اما پراکنده و نامهاهنگ در برخی هیئت‌های مذهبی مشغول فعالیت بودند، مبارزه را در چارچوب اصول و ارزش‌های اسلام ادامه و گسترش دهد. شایان ذکر

است برخی از اعضای این هیئت‌ها سابقه مبارزاتی طولانی داشتند، ولی از خلأ و نبود رهبری مبارز و آگاه رنج می‌بردند. آنها با شروع نهضت امام خمینی کم‌کم به عرصه مبارزه گام نهادند. افراد فعال این هیئت‌ها با شروع ماجرای لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی با آیات عظام قم دیدار داشتند. آنها در جریان مبارزات به شدت فعالیت و اعلامیه‌های امام را چاپ و در تهران و شهرستان‌ها پخش کردند، اما هنوز پیوستگی و اتحاد لازم برای انجام اهداف بزرگ‌تر نداشتند. از این رو، امام خمینی پس از حادثه فیضیه بر آن شد سه هیئت فعال در تهران را هماهنگ و متحد کند. در این راستا از سران سه هیئت دعوت کرد تا به حضورش بروند. در این راستا آقایان ابوالفضل توکلی‌بینا، حبیب‌الله عسگر اولادی و مهدی عراقی و سمران دو گروه دیگر- گروه مسجد شیخ‌علی و گروه بل سیمان (گروه اصفهانی‌ها) - به حضور ایشان شتافتند. امام خمینی در این دیدار از آنها خواستند برای مبارزه با یکدیگر یگانه و متحد شوند. آنها پس از این دیدار و گرفتن رهنمودهای لازم، گرد هم آمدند و در مدت یک ماه، چهار جلسه مشترک برگزار کردند. پس از بحث و گفت‌وگوی فراوان و جلسات مختلف، سرانجام سیدالشاده لاجوردی، صادق امّانی و عباس مدرسی‌فر. بدین ترتیب آنها در قالب تشکیلاتی بزرگ‌تر با هم متحد شدند و نام «هیئت‌های مؤتلفه اسلامی» را بر خود نهادند. شورای مرکزی آن، پس از پایان نخستین جلسه شورا، برای ارائه گزارش به خدمت امام رسید. امام نیز از



محرم ۱۳۴۲، قم، امام خمینی در حال عزیمت به یکی از مجالس عزای حسینی

خارپخ

گفت‌وگو۸۸۴۹۸۴۷۹

■ **محرم ۱۳۴۲، قم، امام خمینی در یکی از مجالس عزای حسینی**

د

د

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت قم در گزارشی با عنوان «وضع عزاداری در ایام محرم و صفر» به ریاست ساواک تهران اینچنین گزارش داد: «از تاریخ ۴۲/۲/۲۵ جلسه طلاب تعطیل می‌شود و اشخاصی که باید به خارج از قم مسافرت نمایند، خود را مهیای عزیمت می‌کنند. آقایان خمینی و شریعتمداری به طلابی که ایام مذکور به خارج می‌روند، دستور داده‌اند که در منابر ترس نداشته باشند و بگویند دولت و شاه بی‌دین هستند. وضع مدرسه فیضیه را بگویند و جریان مبارزات را با شهادت حضرت سیدالشهدا و صحرائ کربلا تطبیق کنند.»

و سایر وزار تخانه‌ها برای آنها جایز کرده و شغل‌های حساس را به آنها داده‌اند. خطر اسرائیل و عمال آن را به مردم تذکر دهید. در نوحه‌های سینه‌زنی از معصیت‌های وارده بر اسلام و مراکز فقه و دیانت و انصار شریعت یادآور شوید. از فرستادن و تجهیز دولت‌خان چند هزار نفر دشمن اسلام و ملت و وطن را به لندن، برای شرکت در محفل ضد اسلامی و ملی اظهار تنفر کنید. سکوت در این ایام تأیید دستگاه جبار و کمک به دشمنان اسلام است. از عواقب این امر بترسید. از سخط خدای تعالی بپراسید. اگر به واسطه سکوت شماها به اسلام لطمه وارد آید، نزد خدای تعالی و ملت مسلمان مسئول هستید: ادا ظهت‌البدل فللعالم ان یظهر علمه و الا فعليه لعنة الله: از تسلاوی حقوق اظهار تنفر کنید و از دخالت زن‌ها در اجتماعی که مستلزم مفاسد بی‌شمار است، ابراز انزجار و دین‌خدارا یاری کنید و بداندین‌ها تنصروالله بنصرکم و یشیت اقدامکم. از اخافه و ارعاب سازمان‌ها و دستگاه شهربانی هراسی به خود راه ندهید. آنها نیز مثل شما ملزم و مجبورند و بسیاری از آنها شما همراه‌واز دستگاه بیزارند.»

■ **فعالیت‌های ساواک برای کنترل مراسم ماه محرم**

روند تحولات نهضت اسلامی - که با وقوع حادثه فیضیه شتاب گرفته بود- و نیز آگاهی رژیم از برنامه‌های امام خمینی و دیگر علما برای بهره‌گیری از فرصت عزاداری ماه محرم، موجب شد که رژیم از فرارسیدن ماه محرم به شدت احساس خطر کند و در پی چاره و راه‌حلی برای کنترل مراسم عزاداری این ماه برآید. در این راستا، ساواک دست به کار شد و برنامه ویژه‌ای برای کنترل عزاداری در محرم سال ۴۲ به مرحله اجرا در آورد. رئیس سازمان اطلاعات و امنیت قم در گزارشی با عنوان «وضع عزاداری در ایام محرم و صفر» به ریاست ساواک تهران اینچنین گزارش داد: «از تاریخ ۴۲/۲/۲۵ جلسه طلاب تعطیل می‌شود و اشخاصی که باید به خارج از قم مسافرت نمایند، خود را مهیای عزیمت می‌کنند. آقایان خمینی و شریعتمداری به طلابی که ایام مذکور به خارج می‌روند، دستور داده‌اند که در منابر ترس نداشته باشند و بگویند دولت و شاه بی‌دین هستند. وضع مدرسه فیضیه را بگویند و جریان را با شهادت حضرت سیدالشهدا و صحرائ کربلا تطبیق کنید.»

■ **ساواک و تصمیم به سختگیری بیشتر درباره مبلغان**

در راستای کنترل بیشتر فعالیت‌های علما و طلاب، در تلگرافی که ساواک مرکز به ساواک قم ارسال کرد، دو خواهان اتخاذ تدابیری شدیدتر علیه طلاب و عاظ فرستاده شده توسط امام خمینی شد: «نظر به اینکه از طرف خمینی به تمام طلاب و وعاظی که برای محرم از قم به شهرستان‌ها حرکت می‌نمایند، دستور شدید برای تبلیغ و تحرک داده شده است، لازم است که در شهرها و قرآ مراقت کامل بشود و اینکه از طرف خمینی به تمام طلاب و وعاظی که در شهرها و روستاها اعزام می‌شوند. در این شرایط امام خمینی جدا جلوگیری شود. نتیجه اقدامات معموله را هر روز گزارش دهید.»

همچنین ساواک طرحی کلی برای روزهای عزاداری تنظیم و برای اجرا ابلاغ کرد. بنده‌های این طرح عبارت‌نداز:

۱- احضار روحانیون تر از اول به حضور هیئت رئیسه ساواک به منظور تفهیم موقعیت کشور و بر خذر داشتن آنان از هر گونه تحریک در مجالس عزاداری.
۲- احضار کارگزاران و بانیان مجالس و وضع‌خوانی و سخنرانی در این فرصت گر آنها برآمد. ایشان از سوی حوزه‌های علمیه برای تبلیغ و ایراد وعظ و خطابه به شهرها و روستاها اعزام می‌شوند. در این شرایط امام خمینی استفاده از این فرصت گر آنها برآمد. ایشان در پیمای خطاب به هیئت‌ها، وعاظ و مبلغان، از آنها خواستند بدون توجه به تهدیدها و موانع رژیم به وظیفه خود عمل و جنایات رژیم را افشا کنند: «به عموم حضرات مبلغان محترم و خطبای معظم - کشتار الله امثالهم- و عموم هیئت محترم، عزاداران سید مظلومان(ع) محترما معروض می‌دارد: در این ایام که دستگاه جبار از خوف آنکه مباراد در منابر ومجماع مسلمین شرح مظالم و اعمال خلاف انسانی و ضددینی و وطنی کند نیاز دارد دست به رسوایی دیگری زده و درصدد گرفتن التزام و تعهد از مبلغان محترم و سران هیئت عزادار است که از مطالب دم زنند و دستگاه جبار را به خودسری واگذارند، لازم است تذکر دهم که این التزامات علاوه بر آنکه ارزش قانونی نداشته و مخالف با آن هیچ اثری ندارد، التزام گیرندگان مجرم و قابل تعقیب هستند.»

ایشان همچنین در ادامه این پیام طلاب و مبلغان را مورد خطاب قرار داد و می‌گویند: «آقایان بدانند که خطر امروز بر اسلام کمتر از خطر بی‌امیه نیست. دستگاه جبار با تمام قوا به اسرائیل و عمال آنها فرقه ضال و مضله همراهی می‌کند. دستگاه تبلیغات را به دست آنها سپرده و در دربار دست آنها باز است. در ارتش و فرهنگ

تهران از طریق اداره سوم تا بر حسب موقعیت محل و با تشریک مساعی ادارات انتظامی عمل نمایند.

افزون بر تدابیر یاد شده، ساواک در برنامه‌ای دیگر درصدد استفاده از روحانیون درباری برای توجیه سیاست‌های شاه برآمد و برای منابر این روحانیون برنامه‌ای نیز تعیین کرد. همچنین برنامه‌هایی نیز برای مساجد و بانیان عزاداری در نظر گرفت تا فقط درباره مسائل عزاداری صحبت شود. از طرفی بنا شد که اگر واعظی و مداحی بر منبر مطالب اهانت‌آمیزی بیان و تحریک کرد، چند سخنرانی چیزی به وی گفته نشود، بلکه هنگامی که مجلس را ترک کرد با وی برخورد شود.

■ **برنامه اختصاصی ساواک برای شهر قم**

■ **روزهای محرم**

دیگر کانون اصلی جدازت شهر تهران، شهر قم بود و در آن مراسم عزاداری حساسیت ویژه‌ای داشت. کمیته امنیت و اطلاعات شهر ستان قم برای کنترل اوضاع و

روزنامه جوان | شماره ۵۲۰۶

جوان

جولوگیری از هر گونه رخدادی، تدابیری را اتخاذ کرد که برخی از آنها به شرح زیر است:
۱- اداره شهربانی از تمام صاحبان تکایا و برپاکندندگان مجالس عزویه و سوگواری تعهد و التزام خواهد گرفت که در مراسم خود جز ذکر مصیبت و عزویه و وعظ و مطالب دینی، مطلب دیگری گفته نشود و وعظ و روضه‌خوان یا ذاکربن مصیبت تکیه منظور و هدفی جز آنچه در بالا ذکر شد نداشته باشند و در محیط تکیه و مجلس هیچ گونه بی‌نظمی و اعمال خلاف امنیت و مصلحت بروز نکند و هر گونه عملی بر خلاف تعهد و التزام پیش آید، مسئول صاحب مجلس و تکیه است.

۲- به وعاظ و روضه‌خوانان تذکر داده شود که در منابر و مجالس و عزویه و روضه، به وعظ و مسائل دینی بپردازند و از بیان مطالب تحریک‌آمیز و خلاف مصلحت پرهیز نمایند.

۳- از طرف اداره شهربانی، متصدیان و مسئولان دسته‌های عزاداری جمع‌آوری شوند که ترتیبی بین خودشان دهند و ساعات حرکت و مسیر دسته‌ها را تعیین کنند و از بین افراد خود دسته‌ها هم افرادی برای رعایت ترتیب و نظم انتخاب شوند.

۴- با توجه به ورود دسته‌های زیاد و جمعیت انبوه از دیگر نقاط به قم در تاسوعا و عاشورا و غلیان احساسات مذهبی در اِسن دو روزه و تحریکاتی که قبلاً در قم شده و اوضاع و احوال موجود، به منظور اجتناب از مصلطاک و برخورد انفرادی، قوای انتظامی تفرقه نداشته باشند، یعنی افراد پلیس تک‌تک و منفرد نباشند و طبق برنامه رئیس شهربانی، قوای پلیس در شهربانی و هر نقطه مناسب دیگر متمرکز خواهند بود که هر موقع برای حفظ انتظامات و جلوگیری از وقایع و حوادث نامطلوب در موارد به خصوص لازم باشد، به تعداد کافی اعزام شوند و انجام وظیفه نمایند.

۵- هنگ ژاندارمری برای همکاری و تشریک مساعی با شهربانی در دو روز تاسوعا و عاشورا مجهب و مهیا خواهد بود.

۶- از طرف شهربانی و ژاندارمری به مقامات مرکزی پیشنهاد لازم برای اعزام قوای تقوینی به میزان کافی برای آن دو روز بشود قبل از اینکه تاسوعا و عاشورا برسد. هنگ کمک عده موجود را به منظور بالا ندارد و باید از مرکز خواسته شود و چنانچه ژاندارم از مرکز نفرستند، طبقاً بای قوای نظامی اعزام دارند.

■ **تلگراف پیگیرکننده اسدالله علم به مراکز شهرستان‌ها**

از طرفی اسدالله علم، نخست‌وزیر نیز طی تلگراف‌هایی به شهرستان‌ها، خواستار اتخاذ تدابیر امنیتی برای کنترل مراسم شد. وی در تلگرافی که در ۱۳۴۲/۷/۲۳ به فرمانداری کل چهارمحل و

بختیاری داشت دستور داد:

۱- از تمامی وعاظ و صاحبان عزّا التزام بگیرند که اگر در ایام عزاداری محرم کوچک‌ترین انحرافی از عزاداری کنند و به تحریک مردم بپردازند، هم وعاظ و هم صاحب عزّازندانی خواهند شد.

۲- شهربانی باید برای ایام عزاداری آمادگی کامل داشته باشد که با هر نوع پیشامد غیر منظره مقابله کند.

۳- ژاندارم نیز می‌مواظب دهات باشد.

از دیگر اقداماتی که توسط رژیم برای کنترل منبرها و سخنرانی‌ها گرفته شد، موضوع تعهد گرفتن از وعاظ بود. مأموران وعاظ و روحانیون را به ساواک احضار کردند و از آنها خواستند علیه امریکا، اسرائیل و شخص شاه حرفی زنند و مرتب نگویند دین در خطر است. غیر از این هرچه خواستند بیان کنند. علما و روحانیون و به‌بری امام خمینی نیز برای بهره‌برداری هر چه بهتر از این مراسم و مقابله با رژیم، برنامه‌ای خود را داشتند. امام خمینی از علما، طلاب و وعاظ خواسته بود که در چند روز اول عزاداری برای جلوگیری از واکنش ساواک و مأموران آن، منبری شدید نداشته باشند و در روزهای آخر به فعالیت‌های خود شدت دهند و به مبارزه و افشاکری علیه رژیم بپردازند. این تاکتیک نیز در گزارش‌های ساواک منعکس شده است: «در هشت روز گذشته به مناسبت تصادف با ایام محرم در نقاط مختلف کشور، مجالس مذهبی و مراسم سوگواری برقرار شده و وعاظ و سایر مبلغین مذهبی به وعظ و تبلیغ پرداخته‌اند که هنوز ادامه دارد. در چند روز اول ماه محرم اهل منبر حملات شدیدی علیه دولت به عمل بیاوردند و فقط عده‌ای از آنان با کنایه و اشاره انتقاداتی می‌کردند، ولی پس از انتشار اعلامیه جدید خمینی که در آن دستوراتی راجع به تشدید فعالیت‌های تبلیغاتی بر ضد دولت داده شده، روش آنان تغییر یافته و در مجالس و محافل دینی با شدت مردم را تحریک و علیه دولت تبلیغ می‌کنند. انتشار اعلامیه حتی روش آن عده از گویندگان مذهبی را که کمتر وارد جنجال‌های سیاسی می‌شوند، تغییر داده و چون خود را به موجب فتوای آیتالله خمینی شرعاً مسئول می‌دانند، شروع به انتقاد و تحریک کرده‌اند. اطلاعات واصله حاکی است که روحانیون مخالف در نظر دارند در ایام تاسوعا و عاشورا، حداکثر استفاده را از اجتماعات مذهبی کنند و دست به تحریکات و حتی تظاهرات شدیدی بزنند.»

از این روزویم با آگاهی از طرح و برنامه روحانیون که به تمام مأموران خود دستور داد در روزهای تاسوعا و عاشورا ضمن آمادگی کامل برای مقابله با هر گونه اتفاق احتمالی تا می‌توانند در روزهای تاسوعا و عاشورا از اسطکاک مأموران با عزاداران و وعاظ و روحانیون خودداری کنند و در صورت برخورد با افرادی که دندروی دارند، در بیرون از مجلس شدیناً به آنها تذکر داده وعواقب و پیامدهای کارشان بدان‌ها یادآوری شود. با تمام آنچه بدان اشارت رفت، تدبیر رهبر کبیر انقلاب در بسیج طلاب و مبلغان علیه رژیم شاه، نتیجه‌ای بس فراتر از تصور ساواک داشت و نهایتاً به دستگیری رهبر کبیر انقلاب انجامید.